

ردیف	کلمه انگلیسی	معنی فارسی	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی جمله
1	be	بودن	Will you <b>be</b> my friend?	دوست من میشی؟
2	and	و	You <b>and</b> I will always be friends	من و تو همیشه با هم دوستیم
3	of	از	Today is the first <b>of</b> November	امروز روز اول از نوامبر هست
4	a	یک	I saw <b>a</b> bear today	امروز یک خرس دیدم
5	in	در	She is <b>in</b> her room	او در اتاقش هست
6	to	به	Let's go <b>to</b> the park	بیا بریم به پارک
7	have	داشتن	I <b>have</b> a few questions	من چندتا سوال دارم
8	too	همچنین	I like you <b>too</b>	من هم تو را دوست دارم
9	it	این	<b>It</b> is sunny outside	بیرون هوا آفتابیه
10	I	من	<b>I</b> really like it here	من واقعا اینجا را دوست دارم

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
اون در بازه	<b>That</b> door is open	آن	that	11
بهترین هارو برات میخوام	I want the best <b>for</b> you	برای	for	12
تو عشق زندگی من هستی	<b>You</b> are the love of my life	تو، شما	you	13
او از من بزرگ تر هست	<b>He</b> is older than me	او	he	14
دوست ندارم باهاش برم	I wouldn't like to go <b>with</b> him	با	with	15
من روی آیپد فیلم میبینم	I watch movies <b>on</b> my ipad	روی	on	16
حالا قرار هست که چیکار کنی؟	What are you going to <b>do</b> now?	انجام دادن	do	17
میتونم لطفا چیزی بگویم؟	Can I <b>say</b> something please?	گفتن	say	18
این فیلم مورد علاقه من هست	<b>This</b> is my favorite movie	این	this	19
آنها دیگر اینجا نیستند	<b>They</b> are not here anymore	آنها	they	20

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
لطفا به آن نگاه کن	Look <b>at</b> that please	به، در	at	21
من عاشقتم اما نمیتونم باهات زندگی کنم	I love you <b>but</b> I can't live with you	اما	but	22
ما بهترین دوست ها هستیم	<b>We</b> are the best friends ever	ما	we	23
این موبایل او نیست	It's not <b>his</b> cellphone	او، مال او	his	24
من از ایران می آیم	I come <b>from</b> Iran	از	from	25
آن فیلم واقعا جالب هست	<b>That's</b> a really cool movie	آن	that	26
من در مورد تو صحبت نمیکنم	I'm <b>not</b> talking about you	منفی ساز	not	27
امشب نمیتونم پیام	I <b>can't</b> make it tonight	نتوانستن	Can't	28
همه چیز را به او نخواهم گفت	I <b>won't</b> tell her everything	نخواهد...	Won't	29
تا قبل از ساعت 9 خواهم آمد	I'll come <b>by</b> 9	تا قبل از	by	30

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
او امروز خوشحال به نظر میرسد	<b>She</b> looks happy today	او	she	31
همه چیز رو بهم بگو یا از اینجا برو	Tell me everything <b>or</b> leave here	یا	or	32
او به عنوان معلم کار میکند	She works <b>as</b> a teacher	به عنوان	as	33
آن چه چیزی هست؟	<b>What's</b> that?	چه چیز	what	34
بیا الان بریم	Let's <b>go</b> now	رفتن	go	35
آنها به زودی خانواده شان را میبینند	They will see <b>their</b> family soon	مال آنها	their	36
میتونی بهم بگی این چه چیزی است	<b>Can</b> you tell me what it is	توانستن	can	37
کی اونجاس؟	<b>Who's</b> there?	چه کسی	who	38
معنیش را نمیگیرم (درک نمیکنم)	I don't <b>get</b> the meaning	گرفتن	get	39
اگر شکست بخورم چی؟	What <b>if</b> I fail?	اگر	if	40

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
میل داری چه چیزی بخوری؟	What <b>would</b> you like to eat?	فعل کمکی	would	41
او گوشیش را اینجا جا گذاشته است	She has left <b>her</b> phone here	مال او	her	42
همه کتاب های من روی این قفسه هست	<b>All</b> my books are on this shelf	همه	all	43
اسم من را میدانی؟	Do you know <b>my</b> name?	مال من	my	44
میخواهم نهار درست کنم	I want to <b>make</b> lunch	ساختن	make	45
در مورد چی صحبت میکنی؟	What are you talking <b>about</b> ?	در مورد	about	46
آیا میدانی آنها چه میگویند؟	Do you <b>know</b> what they say?	دانستن	know	47
چه اتفاقی خواهد افتاد؟	What <b>will</b> happen?	آینده ساز	will	48
در اسرع وقت انجامش میدم	I will do it <b>as</b> soon <b>as</b> possible	در	as	49
من اون بالا توی کوه ها زندگی میکنم	I live <b>up</b> in the mountains	بالا	up	50

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
یکی کافیه	One is enough	یک	one	51
چه زمانی خواهی رفت؟	What time will you go?	زمان	time	52
اون چیه که اونجاست؟	What's over there?	آنجا	there	53
من سالی یکبار میبینمش	I visit him once a year	سال	year	54
بیرون هوا بسیار سرده	It's so cool outside	بسیار	so	55
فکر میکنی کی هستی؟	Who do you think you are?	فکر کردن	think	56
کی این اتفاق افتاد؟	When did It happen?	چه وقت	when	57
کدومش از همه بهتره؟	Which one is the best?	کدام	which	58
امروز آنها را میبینم	I will see them today	آنها را	them	59
مقداری آب نیاز دارم	I need some water	مقداری	some	60

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
واقعا من را دوست داری؟	Do you really love <b>me</b> ?	من را	me	61
اهمیت نده مردم چی میگن	Don't care what <b>people</b> say	مردم	people	62
میخوام تا خونه تاکسی بگیرم	I want to <b>take</b> a taxi home	گرفتن	take	63
اون بیرون واقعا سرده	It's really cold <b>out</b> there	بیرون	out	64
به داخل آب شیرجه زد	She dived <b>into</b> the water	داخل	into	65
فقط به استراحت نیاز دارم	I <b>just</b> need to take a break	فقط	just	66
بدون عینک میتونم ببینم	I can <b>see</b> without glasses	دیدن	see	67
او را بسیار دوست دارد	She loves <b>him</b> so much	او را	him	68
ماشینت کجاست؟	Where is <b>your</b> car?	مال تو	your	69
آیا به مهمانی می آید؟	Will you <b>come</b> to the party?	آمدن	come	70

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
میشه لطفا تکرارش کنید؟	Could you please repeat that?	توانستن	could	71
الان نمیخوام برم	I don't want to go now	حالا	now	72
او از من بزرگتره	She's older than me	از	than	73
من اینجارو دوست ندارم	I don't like it here	دوست داشتن	like	74
بقیه مردم چطور؟	What about other people?	دیگر	other	75
امروز حالت چطوره؟	How are you doing today?	چطور	how	76
آن کار را انجام خواهم داد و از اینجا خواهم رفت	I will do that then I will leave here	سپس	then	77
غذاش کجاست؟	Where is its food?	مال آن	its	78
خانه ما بسیار زیباست	Our house is very nice	مال ما	our	79
آیا شما دوتا به مهمانی می آیید؟	Will you two come to the party?	دو	two	80



معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
هرچقدر بیشتر پول در بیاری بیشتر خرج میکنی	The <b>more</b> you earn the <b>more</b> you pay	بیشتر	more	81
این آدم‌ها خیلی مهربون هستند	<b>These</b> people are so nice	اینها	these	82
دیگه نمیخوامش	I don't <b>want</b> that anymore	خواستن	want	83
میشه لطفا راه رو بهم نشون بدی؟	Can you show me the <b>way</b> please?	مسیر	way	84
به خورشید نگاه نکن	Don't <b>look</b> at the sun	نگاه کردن	look	85
اولین نفر کیه؟	Who is the <b>first</b> one?	اولین	first	86
نه تنها دیر وقته بلکه برف هم میاد	Not only is it late but it's <b>also</b> snowing	همچنین	also	87
او موبایلی جدید خریده است	She has bought a <b>new</b> cellphone	جدید	new	88
چون تو بسیار خودخواه هستی	<b>Because</b> you are so selfish	چون	because	89
روز مورد علاقه هفته ات چیه؟	What is your favorite <b>day</b> of the week	روز	day	90

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
از چیزی که فکر میکنم کمتره	It's <b>less</b> than what I think	کمتر	less	91
بهم بگو چطور ازش استفاده کنم	Tell me how to <b>use</b> this	استفاده	use	92
نگو نه	Don't say <b>no</b>	نه	no	93
او یک مرد واقعیه	He's a real <b>man</b>	مرد	man	94
نتونستم پیدااش کنم	I couldn't <b>find</b> that	پیدا کردن	find	95
بگذارش اینجا	Put it <b>here</b>	اینجا	here	96
یک چیزی باید به تو بگویم	I need to tell you <b>something</b>	چیز	thing	97
لطفا چیزی به من بدهید بخورم	Please <b>give</b> me something to eat	دادن	give	98
اینجا آدم های زیادی هستند	There are <b>many</b> people here	زیاد	many	99
او بسیار خوب پیانو میزند	She plays the piano very <b>well</b>	به خوبی	well	100

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
تو تنها دوست منی	You're my <b>only</b> friend	تنها	only	101
آنها دوستان من هستند	<b>Those</b> are my friends	آنها	those	102
در این مورد بهش نگو	Don't <b>tell</b> him about it	گفتن	tell	103
یک نفر اینجا است	There is <b>one</b> person here	یک	one	104
او خیلی باهوشه	She's <b>very</b> smart	خیلی	Very	105
کفش هاش کجاست؟	Where are <b>her</b> shoes?	مال او	her	106
حتی نمیتونم بهت پیام بدم	I can't <b>even</b> text you	حتی	even	107
الان برمیگردم	I'll be right <b>back</b>	عقب	back	108
آیا هرگونه سوالی دارید؟	Do you have <b>any</b> questions?	هر	any	109
امیدوارم اتفاقات خوبی برات بیفته	I hope <b>good</b> things happen to you	خوب	good	110

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
او خانمی جوان است	She's a young <b>woman</b>	خانم	woman	111
از بین پنجره نگاه کردم	I looked <b>through</b> the window	بین	through	112
زندگی زیباست	<b>Life</b> is beautiful	زندگی	life	113
آیا دیروز ما رو دیدی؟	Did you see <b>us</b> yesterday?	ما را	us	114
بچه ی کوچولوت کجاست؟	Where is your little <b>child</b> ?	بچه	child	115
به آنجا رفتی؟	Did you go <b>there</b> ?	آنجا	there	116
دیگه نمیتونم کار کنم	I can't <b>work</b> anymore	کار کردن	work	117
بیا بریم طبقه پایین	Let's go <b>down</b> stairs	پایین	down	118
شاید امروز بیاید	He <b>may</b> come today	شاید	may	119
بیا بعد از کار شام بخوریم	Let's have dinner <b>after</b> work	بعد از	after	120

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
تو باید به پدر و مادرت احترام بذاری	You <b>should</b> respect your parents	باید	should	121
وقتی رسیدی خونه بهم زنگ بزن	<b>call</b> me when you get home	زنگ زدن	call	122
میخواهم سفر کنم و دنیا را ببینم	I want to travel and see the <b>world</b>	دنیا	world	123
او در سراسر دنیا مشهور است	He is famous all <b>over</b> the world	اطراف	over	124
امروز روز اول مدرسه است	it is the first day of <b>school</b>	مدرسه	school	125
او هنوز جوان و بی تجربه است	She's <b>still</b> young and inexperienced	هنوز	still	126
دوباره سعی کنید	<b>Try</b> it again	سعی کردن	try	127
داخل جعبه اس	It's <b>in</b> the box	داخل	in	128
او زود اومد همونطور که انتظار داشتم	She was early <b>as</b> I expected	همانطور که	as	129
این آخرین بار بود که بهت اعتماد میکردم	This was the <b>last</b> time I trusted you	آخرین	last	130

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
بذار ازت چندتا سوال بپرسم	Let me <b>ask</b> you a few question	پرسیدن	ask	131
به چیزی نیاز داری؟	Do you <b>need</b> anything?	نیازداشتن	need	132
او بیش از حد جوانه که ازدواج کنه	He's <b>too</b> young to get married	بیش از حد	too	133
الان چه حسی داری؟	How do you <b>feel</b> now?	حس کردن	feel	134
سه صفحه باقی مانده است	There are <b>three</b> pages left	سه	three	135
چه زمانی به دنیا اومدی؟	<b>when</b> were you born?	چه زمان	when	136
دروضعیت اسفناکی هست	It's in a sorry <b>state</b>	وضعیت	state	137
هرگز او را قبلا ندیده ام	I have <b>never</b> seen him before	هرگز	never	138
به هنرمندی بزرگ تبدیل شده است	She has <b>become</b> a great artist	شدن	become	139
بین پدر و مادرش نشسته	She's <b>between</b> her parents	بین	between	140

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
فشار خونس بالاست	His blood pressure is <b>high</b>	بالا	high	141
واقعا نمیتونم حرفت رو باور کنم	I can't <b>really</b> believe you	واقعا	really	142
چیزی نیاز دارم برای خوردن	I need <b>something</b> to eat	چیزی	something	143
او جذاب ترین دختره	She's the <b>most</b> gorgeous girl	ترین	most	144
میتونم یک ساندویچ دیگه بخورم؟	Can I have <b>another</b> sandwich?	یکی دیگر	another	145
او از خواهرش بسیار جوان تره	she's <b>much</b> younger than her sister	زیاد	much	146
من واقعا عاشق خانواده ام هستم	I really love my <b>family</b>	خانواده	family	147
تو میتونی اتاق خودت رو داشته باشی	You can have your <b>own</b> room	مال خود	own	148
بیا بریم بیرون و چیزی بخوریم	Let's go <b>out</b> and have something	خارج	Out	149
من در اسرع وقت اینجا رو ترک میکنم	I will <b>leave</b> here as soon as possible	ترک کردن	leave	150

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
کنت رو بذار اینجا	Put your coat here	گذاشتن	put	151
من واقعا از موتورسیکلت های قدیمی خوشم میاد	I really like old motorcycles	کهنه	old	152
او باهوشه در حالیکه من احمقم	She's smart while I'm so stupid	در حالیکه	while	153
این کلمه چه معنی میده	What does this word mean?	معنی دادن	mean	154
بیا یکشنبه بریم شام بیرون	Let's eat out on Sunday	در روز	on	155
دستت رو زیر میز نگه دار	keep your hand under the table	نگه داشتن	keep	156
او دانش آموزی باهوشه	She's a smart student	دانش آموز	student	157
چرا انقدر دیر اومدی؟	Why are you so late?	چرا	why	158
بذار یک مثال برات بزنم	Let me give you an example	اجازه دادن	let	159
ادیسون دانشمندی بزرگ بود	Edison was a great scientist	بزرگ	great	160



معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
این همون تیشرت هست که من خریدم	It's the <b>same</b> T-shirt I bought	همان	same	161
کفش هات بیش از حد بزرگه	Your shoes are too <b>big</b>	بزرگ	big	162
گروهی از مردم آنجا بودند	There was a <b>group</b> of people there	گروه	group	163
بیا با یک جمله شروع کنیم	Let's <b>begin</b> with a sentence	آغاز کردن	begin	164
او امروز ناراحت به نظر میاد	She <b>seems</b> unhappy today	به نظر رسیدن	seem	165
اسم کشورت چیه؟	What's the name of your <b>country</b> ?	کشور	country	166
کمک بزرگی بود	It was a great <b>help</b>	کمک	help	167
میتونم خصوصی حرف بزنیم؟	Can we <b>talk</b> in private?	حرف زدن	talk	168
کلیدهام کجا هستن؟	<b>Where</b> are my keys?	کجا	where	169
او به هیولایی تبدیل شد	She <b>turned</b> into a monster	تبدیل شدن	turn	170

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
من نمیتونم مشکلت رو حل کنم	I can't solve your <b>problem</b>	مشکل	problem	171
من هرروز به مدرسه میرم	I go to school <b>every</b> day	هر	every	172
بیا بازی رو شروع کنیم	Let's <b>start</b> the game	شروع	start	173
دستم داره میلرزه	My <b>hand</b> is shaking	دست	hand	174
شاید کارکنه	It <b>might</b> work	شاید	might	175
آمریکایی ها بسیار فست فود میخورند	<b>Americans</b> eat so much fast food	آمریکایی	American	176
لباس هامو بهت نشون میدم	I will <b>show</b> you my clothes	نشان دادن	show	177
من بخش خودم رو انجام دادم	I did my <b>part</b>	بخش	part	178
بیا در مورد چیزی صحبت کنیم	Let's talk <b>about</b> something	در مورد	about	179
مقابل او نباش	Don't be <b>against</b> him	در مقابل	against	180

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
مکانش رو بلدی؟	Do you know its <b>place</b> ?	مکان	place	181
تمومه	It's <b>over</b>	تمام	over	182
او عجب بازیکن با استعدادیه	She's <b>such</b> a talented player	چنین	such	183
چرا اینو دوباره داری میگی؟	Why are you saying that <b>again</b> ?	دوباره	again	184
ماشین های اندکی توی جاده هستند	<b>Few</b> cars are on the road	کم	few	185
در این مورد باهات موافقم	I agree with you in this <b>case</b>	مورد	case	186
این شهر بیشترین جمعیت رو داره	This city has the <b>most</b> population	بیشترین	most	187
برنامه ات این هفته چیه؟	What's your plan this <b>week</b> ?	هفته	week	188
من در یک شرکت محلی در مرکز شهر کار میکنم	I work in a local <b>company</b> downtown	شرکت	company	189
کجا داریم میریم؟	<b>Where</b> are we going?	کجا	where	190

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
تو باید سیستم رو بشناسی	You need to know the <b>system</b>	سیستم	system	191
هر فرد نظر متفاوتی داره	<b>Each</b> person has a different opinion	هر	each	192
در این مورد من درست می‌گم	In this case I'm <b>right</b>	درست	right	193
من باید این برنامه تلویزیونی رو ببینم	I have to watch this TV <b>program</b>	برنامه	program	194
تو هم داری این صداری می‌شنوی؟	Are you <b>hearing</b> the sound too?	شنیدن	hear	195
من خیلی کار کردم بنابراین خیلی خسته ام	I worked a lot <b>so</b> I am so tired	بنابراین	so	196
هر سوالی می‌خواهی ازم بپرس	Ask me any <b>question</b> you want	پرسش	question	197
در طول کلاس چه کاری انجام دادی؟	What did you do <b>during</b> the class?	در طول	during	198
الان خیلی کار برای انجام دادن دارم	I have a lot of <b>work</b> to do now	کار	work	199
مایل هستی تنیس بازی کنیم؟	Would you like to <b>play</b> tennis?	بازی کردن	play	200

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
دولت ما مسئولیت ناپذیره	Our <b>government</b> is irresponsible	دولت	government	201
اگه خرس دیدی واسه جونت فرار کن	If you see a bear, <b>run</b> for your life	دویدن	run	202
خیلی کوچیکه. نمیتونم ببینمش	It's too <b>small</b> . I can't see that	کوچک	small	203
تعداد یوزپلنگ ها بیشتر خواهد شد	The <b>number</b> of cheetahs will increase	تعداد	number	204
چراغ هارو خاموش کن	Turn <b>off</b> the lights	خاموش	off	205
مثل همیشه داره عالی کار میکنه	She's doing great as <b>always</b>	همیشه	always	206
بدنت رو تگون نده	Don't <b>move</b> your body	حرکت دادن	move	207
خیلی ارزش خوشم اومد	I <b>liked</b> her so much	پسندیدن	like	208
شب ها کار میکنی؟	Do you work at <b>night</b> ?	شب	night	209
دیگه نمیتونم اینجا زندگی کنم	I cannot <b>live</b> here anymore	زندگی کردن	live	210

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
مطمئن هستی که آقای موریس آنجاست؟	Are you sure that <b>Mr.</b> Morris is there	آقا	Mr.	211
منظورت رو گرفتم	I got your <b>point</b>	منظور	point	212
حرف هایی که زد رو باور میکنی؟	Do you <b>believe</b> what she said?	باور داشتن	believe	213
فقط دست من رو بگیر	Just <b>hold</b> my hand	نگه داشتن	hold	214
امروز به روز خاصه	<b>Today</b> is a special day	امروز	today	215
کوله پشتی منو آوردی؟	Did you <b>bring</b> my backpack?	آوردن	bring	216
چه اتفاقی داره اینجا میفته	What's <b>happening</b> here?	رخ دادن	happen	217
قدم بعدی چیه؟	What's the <b>next</b> step?	بعدی	next	218
بدون او نمیتونم زندگی کنم	I can't live <b>without</b> her	بدون	without	219
قبل از خوابیدن مسواک بزن	Brush your teeth <b>before</b> going to bed	قبل از	before	220

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
من باید خونه ای بزرگ داشته باشم	I need to have a <b>large</b> house	بزرگ	large	221
چرا همه پولت رو خرج کردی؟	Why did you spend <b>all</b> your money?	همه	all	222
دو میلیون تومان خرجش کردم	I spent 2 <b>million</b> tomans on that	میلیون	million	223
تو باید مراقب خودت باشی	You <b>must</b> take care of yourself	باید	must	224
هیچ کجا خونه آدم نمیشه	<b>home</b> sweet <b>home</b>	خانه	home	225
سرت رو زیر آب نگه دار	Keep your head <b>under</b> water	زیر	under	226
به گیاهان آب دادی؟	Did you <b>water</b> the plants?	آب دادن	water	227
اتاق من بزرگ تر از اتاق توئه	My <b>room</b> is larger than yours	اتاق	room	228
هرچیزی که میشنوی رو یادداشت کن	<b>Write</b> down everything you hear	نوشتن	write	229
مادر من بسیار مهربونه	My <b>mother</b> is really kind	مادر	mother	230

ردیف	کلمه انگلیسی	معنی فارسی	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی جمله
231	area	ناحیه	They need a large <b>area</b> for playing	آنها به ناحیه ای بزرگ برای بازی نیاز دارند
232	national	ملی	Our <b>national</b> team is defeated	تیم ملی ما شکست خورده است
233	money	پول	I <b>made</b> a lot of money last year	سال پیش کلی پول درآوردم
234	story	داستان	Don't make up <b>stories</b>	داستان از خودت در نیار
235	young	جوان	My brother is <b>younger</b> than me	برادرم از من جوون تره
236	fact	حقیقت	In <b>fact</b> she's our best student	در حقیقت او بهترین دانش آموز ماست
237	month	ماه	I will leave here in a <b>month</b>	تا یک ماه دیگه از اینجا خواهم رفت
238	different	متفاوت	We have <b>different</b> personality traits	ما صفت های شخصیتی متفاوتی داریم
239	lot	زیاد	I have to earn a <b>lot</b> of money	من باید پول زیادی در بیارم
240	right	دست راست	Turn <b>right</b> at the red light	سرچراغ قرمز برو دست راست



معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
تو باید سخت تر از این ها درس میخوندی	You had to <b>study</b> harder than this	مطالعه	study	241
کتاب هام روی قفسه هست	My <b>books</b> are on the shelf	کتاب	book	242
تو نور چشم منی	You are the apple of my <b>eye</b>	چشم	eye	243
او میخواد از شغلش بیاد بیرون	She wants to quit her <b>job</b>	شغل	job	244
یه کلمه هم نشنیدم	I didn't hear a <b>word</b>	کلمه	word	245
با وجود اینکه منو عصبی میکنه ازش خوشم میاد	<b>Though</b> he makes me angry. I like him	با این وجود	though	246
این شرکت یک بیزینس خانوادگی بود	The company was a family <b>business</b>	بیزنس	business	247
میدونم چطور با این مساله کنار بیام	I know how to deal with this <b>issue</b>	مساله	issue	248
من میتونم هر دو طرف خیابان پارک کنم	I can park on either <b>side</b> of the street	طرف	side	249
از لطف و مهربانی شماست	It's very <b>kind</b> of you	مهربان	kind	250

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
چهار نفر اون بیرون بودند	There were <b>four</b> people out there	چهار	four	251
او سرش رو ازش برگردوند	She turned her <b>head</b> away from him	سر	head	252
او دور از اینجا در حومه شهر زندگی میکنه	She lives <b>far</b> out in the country	دور	far	253
چرا لباس های مشکی پوشیدی؟	Why are you wearing <b>black</b> clothes?	سیاه	black	254
مسیر طولانی برای رفتن داریم	We've got a <b>long</b> way to go	طولانی	long	255
من هردوی شمارو آنجا نیاز دارم	I need <b>both</b> of you there	هر دو	both	256
من پرنده کوچولو رو نجات دادم	I saved the <b>little</b> bird	کوچک	little	257
خانه ما از اینجا دوره	Our <b>house</b> is far from here	خانه	house	258
بله همه چیز رو به راهه	<b>Yes</b> . Everything is alright	بله	yes	259
بعد از کاریک فنجان چای بنوش	Drink a cup of tea <b>after</b> work	بعد از	after	260

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
ما از سال 2010 با هم دوست بوده ایم	We've been friends <b>since</b> 2010	از	since	261
ما مدتی طولانی آنجا زندگی کردیم	We've lived there for a <b>long</b> time	طولانی	long	262
این فروشگاه خدماتی عالی فراهم میکنه	The store <b>provides</b> great services	فراهم کردن	provide	263
من در خدمت شما هستم	I'm at your <b>service</b>	خدمت	service	264
ما اطراف پارک داریم قدم میزنیم	We are walking <b>around</b> the park	اطراف	around	265
او در پیدا کردن دوست خوبه	He's good at making <b>friends</b>	دوست	friend	266
این خیلی مهمه که انگلیسی رو یاد بگیرید	It's very <b>important</b> to learn English	مهم	important	267
پدر من بسیار سخت کوشه	My <b>father</b> is really hard working	پدر	father	268
لطفا بنشینید	<b>Sit</b> down please	نشستن	sit	269
و الان اینجا نیست	He's <b>away</b> now	نیست	away	270

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
تا صبح بیدار مانده است	She's been awake <b>until</b> morning	تا	until	271
او برای شهرت، ثروت و قدرت زندگی میکند	He lives for fame, wealth and <b>power</b>	قدرت	power	272
ما یک ساعت آنجا ماندیم	We stayed there for an <b>hour</b>	ساعت	hour	273
او این بازی رو خوب انجام میده	She's good at this <b>game</b>	بازی	game	274
او اغلب مشغول کار هست	He's <b>often</b> busy with work	اغلب	often	275
من هنوز او را ندیده ام	I haven't seen her <b>yet</b>	هنوز	yet	276
مردم در صف ایستاده بودند	The people were waiting in <b>line</b>	صف	line	277
من هرگز در جلسات سیاسی شرکت نمیکنم	I never take part in <b>political</b> meetings	سیاسی	political	278
هیچکس نمیدونه کی این تموم میشه	No one knows when it <b>ends</b>	پایان دادن	end	279
بین همه دوستانم اونو بیشتر از همه دوست دارم	<b>Among</b> all my friends I like her most	بین	among	280

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
آیا تا به حال سوشی خوردی؟	Have you <b>ever</b> eaten sushi?	تا حالا	ever	281
او نزدیک پنجره ایستاده بود	She was <b>standing</b> near the window	ایستادن	stand	282
او واقعا آشپزش بده	She's really <b>bad</b> at cooking	بد	bad	283
نباید بازی رو ببازیم	We shouldn't <b>lose</b> the game	باختن	lose	284
من میمونم با وجود اینکه ممکنه طول بکشه	I'll stay <b>however</b> long it lasts	با این وجود	however	285
او یکی از اعضای خانواده است	He's a family <b>member</b>	عضو	member	286
بدهی ات رو پرداخت کردی؟	Did you <b>pay</b> your debt?	پرداخت	pay	287
او در دانشگاه هاروارد حقوق میخواند	He is studying <b>law</b> at Harvard	قانون	law	288
ما دیروز با آنها ملاقات کردیم	We <b>met</b> them yesterday	ملاقات کردن	meet	289
بیا بریم داخل ماشین من	Let's go inside my <b>car</b>	خودرو	car	290

ردیف	کلمه انگلیسی	معنی فارسی	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی جمله
291	city	شهر	Our <b>city</b> is famous for its food	شهر ما به غذایش معروفه
292	almost	تقریبا	It's <b>almost</b> over	تقریبا تمومه
293	include	شامل شدن	It doesn't <b>include</b> accommodation	اقامت شاملش نمیشه
294	continue	ادامه دادن	I will <b>continue</b> my studies abroad	من تحصیلاتم را در خارج از کشور ادامه میدم
295	set	تنظیم	Did you <b>set</b> the alarm clock?	ساعت رو کوک کردی؟ (تنظیم کردی؟)
296	later	بعدا	See you <b>later</b>	بعدا میبینمت
297	community	جامعه	Our <b>community</b> is facing social issues	جامعه ما با مشکلات اجتماعی رو به رو شده
298	much	زیاد	I don't know <b>much</b> about it	در این مورد زیاد نمیدونم
299	name	نام	do you know her <b>name</b> ?	اسمش رو میدونی؟
300	five	پنج	I've got <b>five</b> dollars now	من الان 5 دلار دارم

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
من همسر جین رو فقط یکبار دیده ام	I've only met Jane's husband <b>once</b>	یکبار	once	301
او اسب سفید زیبایی داره	She's got a beautiful <b>white</b> horse	سفید	white	302
چه کسی کمترین تقصیر رو در این مورد داشت	Who was the <b>least</b> at fault in the case	کمترین	least	303
رئیس جمهور برگزیده شده است	The <b>president</b> has been elected	رئیس جمهور	president	304
امروز چی یادگرفتی؟	What did you <b>learn</b> today?	یادگرفتن	learn	305
او هنرمندی واقعی ست	She's a <b>real</b> artist	واقعی	real	306
شما نمیتونید طبیعت انسان را تغییر بدید	You can't <b>change</b> human nature	تغییر	change	307
تیمی رو برای کمک به شما خواهم فرستاد	I'll send a <b>team</b> to help you	تیم	team	308
لطفا یک دقیقه صبر کنید	Please wait a <b>minute</b>	دقیقه	minute	309
او بهترین دوست منه	She's my <b>best</b> friend	بهترین	best	310

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
چندین بار او را دیده ام	I've met him <b>several</b> times	چندین	several	311
فکر خوبیه این	It's a good <b>idea</b>	فکر	idea	312
او یک همسر و دو بچه داره	He has a wife and two <b>kids</b>	بچه	kid	313
ورزش بدن شما رو قوی میکنه	Exercise makes your <b>body</b> strong	بدن	body	314
ما به اطلاعات بیشتری نیاز داریم	We need more <b>information</b>	اطلاعات	information	315
هیچ چیزی بهتر از خوابیدن نیست	There is <b>nothing</b> better than sleeping	هیچ	nothing	316
ما دو سال پیش به آنجا رفتیم	We went there 2 years <b>ago</b>	پیش	ago	317
هرچیزی که او گفت صحیح بود	Everything she said was <b>right</b>	صحیح	right	318
تابلوهایی هست که شمارو راهنمایی میکنه	There are signs that will <b>lead</b> you	راهنمایی کردن	lead	319
مورچه حشره ای اجتماعی ست	the ant is a <b>social</b> insect	اجتماعی	social	320



معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
فهمیدی او چی گفت؟	Did you <b>understand</b> what she said?	فهمیدن	understand	321
ببین که آیا دوستش داره یا نه	Let's see <b>whether</b> she likes it or not	که آیا	whether	322
هرگز به عقب باز نمیگردیم	We never get <b>back</b>	عقب	back	323
میخوام برنامه مورد علاقم رو ببینم	I want to <b>watch</b> my favorite show	نگاه کردن	watch	324
باهمدیگه انجامش میدیم	We'll do it <b>together</b>	باهم	together	325
دو ساعت هست که داریم دنبال می‌شیم	We have been <b>followed</b> for 2 hours	دنبال کردن	follow	326
حدودا 70 نفر آنجا بودند	There were <b>around</b> 70 people there	حدود	around	327
به والدینت زنگ بزن و بهشون بگو	Call your <b>parents</b> and tell them	والد	parent	328
این تنها راه برای انجامش هست	It's the <b>only</b> way to do that	تنها	only	329
بیاین فکر کردن رو تمومش کنیم و کاری کنیم	Let's <b>stop</b> thinking and do something	تمام کردن	stop	330

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
تو هر روز صورتت رو میشوری؟	Do you wash your <b>face</b> every day?	صورت	face	331
هرچیزی میخوای بپرس	Ask <b>anything</b> you want	هرچیز	anything	332
یک کانال ایجاد کن و پست به اشتراک بذار	<b>Create</b> a channel and share posts	خلق کردن	create	333
نمیتونید در مکان های عمومی سیگار بکشید	You can't smoke in <b>public</b> places	عمومی	public	334
قبلا انجامش داده ام	I've <b>already</b> done that	قبلا	already	335
در این مورد باهاش صحبت کردم	I <b>spoke</b> to her about it	حرف زدن	speak	336
بقیه چطور؟	What about <b>others</b> ?	دیگران	others	337
او داره روزنامه میخونه	He's <b>reading</b> a newspaper	خواندن	read	338
بیاید بریم مرحله بعد	Let's move to the next <b>level</b>	مرحله	level	339
به آنها اجازه ندادم که اینکارو کنند	I didn't <b>allow</b> them to do so	اجازه دادن	allow	340

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
حالا کمی شکر اضافه کن	now <b>add</b> some sugar	اضافه کردن	add	341
توی دفترت باهات ملاقات میکنم	I will meet you at your <b>office</b>	دفتر	office	342
نباید کل پول رو خرج میکردی	You shouldn't have <b>spent</b> all of that	خرج کردن	spend	343
لطفا پشت سرت در رو ببند	Please close the <b>door</b> behind you	درب	door	344
سلامتی اش فوق العادس	Her <b>health</b> is excellent	سلامتی	health	345
این شخصی هست که باهاش صحبت کردم	This is the <b>person</b> I talked to	شخص	person	346
من واقعا به هنر علاقه مندم	I'm really interested in <b>art</b>	هنر	art	347
آیا در اون مورد مطمئنی؟	Are you <b>sure</b> about that?	مطمئن	sure	348
چنان آدم های خوبی بودند	They were <b>such</b> good people	چنان	such	349
کاش هیچ جنگی در دنیا نبود	I wish there were no <b>war</b> in the world	جنگ	war	350

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
باید از تاریخ یاد بگیریم	We have to learn from <b>history</b>	تاریخ	history	351
به مهمونی میای؟	Will you come to the <b>party</b> ?	مهمانی	party	352
طی چند روز سفارشش دادم	I ordered it <b>within</b> a few days	طی	within	353
بچه ها به سرعت رشد میکنند	Children <b>grow</b> up rapidly	رشد کردن	grow	354
نسبت به نتیجه راضی هستم	I'm satisfied with the <b>result</b>	نتیجه	result	355
چرا در جعبه رو باز نمیکنی؟	Why don't you <b>open</b> the box?	باز کردن	open	356
آدم ها طی سالیان تغییر میکنند	People <b>change</b> within years	تغییر	change	357
صبح ها چیکار میکنی؟	What do you do in the <b>morning</b> ?	صبح	morning	358
بریم تو پارک قدم بزنیم	Let's take a <b>walk</b> in the park	قدم زدن	walk	359
دلیلش رو میدونی؟	Do you know its <b>reason</b> ?	دلیل	reason	360

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
کوه هایی کوتاه میبینم	I see some <b>low</b> mountains	پایین	low	361
قول میدم بازی رو خواهیم برد	I promise we will <b>win</b> the game	برنده شدن	win	362
او دارد روی سلول های خونی تحقیق میکند	She's doing <b>research</b> on blood cells	تحقیق	research	363
شما این دختر کوچولو رو میشناسید؟	Do you know this little <b>girl</b> ?	دختر	girl	364
سلام رفقا	Hello <b>guys</b>	رفیق	guy	365
امروز زودتر از خواب بیدار شدم	I woke up <b>early</b> today	زود	early	366
مایل هستید که آنلاین غذا سفارش بدید؟	Would you like to order <b>food</b> online?	غذا	food	367
قبل از اینکه او عصبانی بشه آماده شو	Get ready <b>before</b> she gets angry	قبل از	before	368
این لحظه ای هست که بهت قول دادم	This is the <b>moment</b> I promised you	لحظه	moment	369
او خودش اتاقش رو تمیز کرد	He cleaned his room <b>himself</b>	خودش	himself	370

ردیف	کلمه انگلیسی	معنی فارسی	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی جمله
371	air	هوا	Let's get some fresh <b>air</b>	بیا یکم هوای تازه بخوریم
372	teacher	معلم	Our <b>teacher</b> is really hard working	معلم ما بسیار سخت کوشه
373	force	نیرو	Push with maximum <b>force</b>	با حداکثر نیرو هل بده
374	offer	پیشنهاد	This is a very <b>tempting</b> offer	این پیشنهادی بسیار وسوسه کننده است
375	enough	کافی	That's <b>enough</b>	کافیه
376	both	هر دو	You <b>both</b> stop talking	شما هردوتون دیگه حرف نزنید
377	education	آموزش	<b>Education</b> in less developed countries	آموزش در کشورهای کمتر توسعه یافته
378	across	در امتداد	Let's take a walk <b>across</b> the river	بیا در امتداد رودخانه قدم بزنیم
379	although	با وجود	I love him <b>although</b> he makes me sad	دوستش دارم با وجود اینکه منو ناراحت میکنه
380	remember	به یاد آوردن	Do you <b>remember</b> what they said?	آیا به یاد داری که آنها چه گفتند؟

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
پام داخل طناب گیر کرد	My <b>foot</b> got caught in the rope	پا	foot	381
لطفا یک ثانیه صبر کنید	Please wait a <b>second</b>	ثانیه	second	382
پسر همسایه بالایی ما سروصدا کنه	Our upstairs neighbor's <b>boy</b> is noisy	پسر	boy	383
شاید حق با تو باشه	<b>Maybe</b> you're right	شاید	maybe	384
اتوبوس داره به سمت شهر میره	The bus is heading <b>toward</b> town	به سوی	toward	385
توانایی اینو ندارم که انجامش بدم	I'm not <b>able</b> to do that	توانا	able	386
او در سن 16 سالگی به خارج از کشور رفت	She went abroad at the <b>age</b> of 16	سن	age	387
کفش هاتو در بیار و بشین	Take <b>off</b> your shoes and take a seat	خارج	off	388
من با سیاستشون موافق نیستم	I don't agree with their <b>policy</b>	سیاست	policy	389
همه چیز به تصمیم تو بستگی داره	<b>Everything</b> depends on your decision	همه چیز	everything	390



معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
چیزی که پوشیدی رو دوست دارم	I <b>love</b> what you're wearing	دوست داشتن	love	391
این پروسه در یک دقیقه اتفاق میفته	This <b>process</b> happens in a minute	روند، پروسه	process	392
من واقعا به موسیقی پاپ علاقه مندم	I'm really into pop <b>music</b>	موسیقی	music	393
تام همه رو فریب داد. من جمله من رو.	Tom fooled everybody, <b>including</b> me.	من جمله	including	394
لطفا همه جنبه ها را مدنظر قرار دهید	Please <b>consider</b> all aspects	در نظر گرفتن	consider	395
برای لحظه ای ظاهر شد	It <b>appeared</b> for a moment	ظاهر شدن	appear	396
او حقیقتا یکی از بهترین هاست	She's <b>actually</b> one of the bests	حقیقتا	actually	397
دوست دارم گوشی جدیدی بخرم	I'd like to <b>buy</b> a new cellphone	خریدن	buy	398
او احتمالا بیمار بوده است	She has been <b>probably</b> ill	احتمالا	probably	399
انسان ها باید از حیوانات مراقبت کنند	<b>Humans</b> must take care of animals	انسان	human	400



معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
دو ساعته که منتظرم	I've been <b>waiting</b> for 2 hours	صبر کردن	wait	401
سربازانی که به کشور خود خدمت می کنند	the soldiers who <b>serve</b> their country	خدمت کردن	serve	402
بازار سهام	stock <b>market</b>	بازار	market	403
از چه بیماری مرد؟	what illness did he <b>die</b> of?	مردن	die	404
چرا نامه رو ارسال نکردی؟	Why didn't you <b>send</b> the letter?	ارسال کردن	send	405
از او انتظار کمک نداشته باش	don't <b>expect</b> him to help!	انتظارداشتن	expect	406
در راه خانه هستم	I'm on my way <b>home</b>	خونه	home	407
احساس می کردم که مرا دوست ندارد	I had a <b>sense</b> that she didn't love me	احساس	sense	408
او قصد داره خانه رویاهش رو بسازه	He is going to <b>build</b> his dream house	ساختن	build	409
بیا خونه بمونیم	let's <b>stay</b> home	ماندن	stay	410

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
دقت کن. ممکنه بیفتی	Be careful, you might <b>fall</b>	افتادن	fall	411
وای نه. چه اتفاقی داره میفته؟	<b>Oh</b> no. what's happening?	وای	oh	412
رئیس جمهور با مردم صحبت خواهد کرد	The President will speak to the <b>nation</b>	ملت، مردم	nation	413
برنامه چیه؟	What's the <b>plan</b> ?	برنامه ریزی	plan	414
ما نباید درختان را قطع کنیم	We shouldn't <b>cut</b> down the trees	قطع کردن	cut	415
او این روزها داره به کالج میره	She's going to <b>college</b> these days	کالج	college	416
چندتا از علاقه هات چی هستن؟	What are some of your <b>interests</b> ?	علاقه	interest	417
مرگ چیزیه که برای همه اتفاق میفته	<b>Death</b> is what happens for everyone	مرگ	death	418
دارم یه دوره آموزشی در کالج رو سپری میکنم	I'm taking a <b>course</b> in the college	دوره آموزشی	course	419
یک نفر اینجاست	There is <b>someone</b> here	یک نفر	someone	420

ردیف	کلمه انگلیسی	معنی فارسی	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی جمله
421	experience	تجربه	I have no <b>experience</b> in this job	من تجربه ای در این شغل ندارم
422	behind	عقب	What's <b>behind</b> your back?	چی پشتته؟
423	reach	رسیدن	We want to <b>reach</b> to an agreement	ما می‌خواهیم به یک توافق برسیم
424	local	محلی	<b>Local</b> people are so nice here	مردم محلی اینجا خیلی خوبن
425	kill	کشتن	Don't <b>kill</b> time	وقت کشی نکن
426	six	شش	I work for <b>6</b> hours a day	من روزی 6 ساعت کار میکنم
427	remain	ماندن	<b>Remain</b> calm and quiet	آروم و ساکت بمون
428	effect	تأثیر	What are some <b>effects</b> of that?	چندتا از تأثیراتش چیه؟
429	use	فایده	There is no <b>use</b> in talking to him	صحبت کردن باهاش هیچ فایده ای نداره
430	yeah	بله	Yeah she's <b>right</b>	بله او درست میگه

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
چی پیشنهاد میدی؟	What do you <b>suggest</b> ?	پیشنهاد	suggest	431
این کلاس 30 دانش آموز دارد	this <b>class</b> has thirty pupils	کلاس	class	432
میتونید شرایط رو کنترل کنید؟	Can you <b>control</b> the conditions?	کنترل کردن	control	433
افزایش حقوق	a salary <b>raise</b>	افزایش	raise	434
اهمیتی نمیدم اون چی گفت	I don't <b>care</b> what she said	اهمیت	care	435
شاید او فراموش کرده است	<b>perhaps</b> she has forgotten	شاید	perhaps	436
مقدار کمی آب داخل بطری هست	There is <b>little</b> water in the bottle	کم	little	437
چرا دوباره دیر اومدی؟	Why are you <b>late</b> again?	دیروقت	late	438
باورکردنش سخته	It is <b>hard</b> to believe that	سخت	hard	439
در چه زمینه ای کار میکنید؟	Wha <b>field</b> are you working in?	زمینه	field	440

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
دیگه چی نیاز دارید؟	What <b>else</b> do you need?	دیگر	else	441
امتحان رو پاس شدی؟	Did you <b>pass</b> the test?	پاس شدن	pass	442
رییس جمهور قبلی چه کسی بود؟	Who was the <b>former</b> president?	قبلی	former	443
او در پارک بستنی میفروشد	She <b>sells</b> ice cream in the park	فروختن	sell	444
من در رشته ادبیات انگلیسی تحصیل کردم	I <b>majored</b> in English literature	تحصیل کردن	major	445
من گاهی اوقات تا نیمه شب بیدار میمونم	I <b>sometimes</b> stay awake until midnight	گاهها	sometimes	446
لازمه آن صبر و تلاش است	It <b>requires</b> patience and effort	لازم بودن	require	447
بیا در امتداد رودخانه قدم بزنیم	Let's walk <b>along</b> the river	در امتداد	along	448
توسعه اقتصادی	economic <b>development</b>	پیشرفت	development	449
آنها خودشان این کار را کردند	They <b>themselves</b> did that	خودشان	themselves	450

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
گزارش خبری	news <b>report</b>	گزارش	report	451
او نقش مهمی را بازی کرد	She played a vital <b>role</b>	نقش	role	452
بهتره یک پزشک رو ببینی	It's <b>better</b> to see a doctor	بهتر	better	453
نابسامانی اقتصادی	<b>Economic</b> chaos	اقتصادی	economic	454
ممنون به خاطر تمام تلاش هات	Thanks for all your <b>efforts</b>	سعی کردن	effort	455
تا الان	<b>Up</b> to now	تا	up	456
هنوز تصمیم نگرفته ام	I have not <b>decided</b> yet	تصمیم گرفتن	decide	457
ما به زودی دانش آموزان را رتبه بندی میکنیم	We will <b>rate</b> the students soon	رتبه دادن	rate	458
او قوی ترین شخصی هست که دیده ام	He's the <b>strongest</b> person I've seen	قدرتمند	strong	459
ممکن نیست	That's not <b>possible</b>	ممکن	possible	460

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
قلب من شکسته است	My <b>heart</b> has been broken	قلب	heart	461
آیا داروهای رو استفاده کردی؟	Did you take your <b>drugs</b> ?	دارو	drug	462
تلویزیون به نمایش خنده دار داره الان	There is a funny <b>show</b> on TV now	نمایش	show	463
گاندی رهبری پرجذبه بود	gandhi was a charismatic <b>leader</b>	رهبر	leader	464
اینجا نور کافی نیست	There isn't enough <b>light</b> here	نور	light	465
من صدای شما رو نمیتونم بشنوم	I can't hear your <b>voice</b>	صدا	voice	466
همسر علی آلمانی ست	Ali's <b>wife</b> is German	همسر	wife	467
کل کلاس شروع به خندیدن کرد	The <b>whole</b> class started laughing	کل	whole	468
پلیس مجرمان را دستگیر کرد	The <b>police</b> arrested the criminals	پلیس	police	469
آیا عقلت رو از دست دادی؟	Are you out of your <b>mind</b> ?	ذهن	mind	470

معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
و نهایتا ما تونستیم ببریم	And <b>finally</b> we could win	نهایتا	finally	471
پرده رو بکش کنار	<b>pull</b> the curtain aside	کشیدن	pull	472
من فردا صبح به خانه برمیگردم	I will <b>return</b> home tomorrow morning	بازگشتن	return	473
آنها اینجا غذای رایگان سرو میکنند	Here they serve <b>free</b> food	رایگان	free	474
او به خدمت سربازی رفته است	He's gone to the <b>military</b> service	نظامی	military	475
قیمتش رو میدونی؟	Do you know the <b>price</b> of that?	قیمت	price	476
آنها هرچیزی که میبینند را گزارش میکنند	They <b>report</b> whatever they see	گزارش	report	477
ما در کمتر از ده دقیقه رسیدیم	We arrived in <b>less</b> than 10 minutes	کمتر	less	478
طبق اظهارات او	<b>according</b> to his statement	برطبق	according	479
تصمیم گرفته شده است	The <b>decision</b> has been made	تصمیم	decision	480



معنی فارسی جمله	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی	کلمه انگلیسی	ردیف
من همه چیز را برای تو توضیح میدهم	I will <b>explain</b> to you everything	توضیح	explain	481
پسرش به خودش رفته	His <b>son</b> takes after him	پسر	son	482
امیدوارم همه چیز به خوبی پیش بره	I <b>hope</b> everything goes well	امیدداشتن	hope	483
او حتی در لیست مخاطبینم نیست	She's not <b>even</b> in my contact list	حتی	even	484
این کانال مهارت های شما را توسعه میدهد	This channel <b>develops</b> your skills	توسعه	develop	485
منظره عالی بود	the <b>view</b> was terrific	منظره	view	486
رابطه ای معنادار	a meaningful <b>relationship</b>	رابطه	relationship	487
اجازه بدید کيفتان را حمل کنم	Let me <b>carry</b> your bag	حمل کردن	carry	488
همه اهل شهر برای خوشامد گویی به او رفتند	the whole <b>town</b> went to welcome him	شهر	town	489
میخوام بزخم به جاده	I want to hit the <b>road</b>	جاده	road	490

ردیف	کلمه انگلیسی	معنی فارسی	جمله مثال انگلیسی	معنی فارسی جمله
491	drive	رانندگی	I've <b>driven</b> for over 10 hours	برای بیش از 10 ساعت رانندگی کرده ام
492	arm	ساعد دست	I have a pain in my <b>arm</b>	دردی در ساعدم دارم
493	true	صحیح	Which one is <b>true</b> ?	کدومش درسته؟
494	federal	دولتی	<b>federal</b> government	دولت فدرال
495	break	شکستن	He's the one who <b>broke</b> the window	این همونه که شیشه رو شکست
496	better	بهتر	It's <b>better</b> to take a nap before that	بهتره قبل از اون یک چرتی بزنیم
497	difference	تفاوت	There is no <b>difference</b> between them	تفاوتی بین آنها نیست
498	thank	تشکر	I want to <b>thank</b> you for everything	میخوام برای همه چیز از شما تشکر کنم
499	receive	دریافت	Did you <b>receive</b> my letter?	نامه من را دریافت کردی؟
500	value	قدردانستن	<b>value</b> the days of your youth!	قدرایم جوانی را بدان